

Criticism of al-Manar's view about the miracles of Jesus (pbuh) based on the opinions of Ayatollah Javadi Amoli

(Received: 2021/11/22- Accepted: 2023/04/30)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2023.7.2.2.7>

Sayyed Mahmood Tayyeb Hsoseini¹, Najme Jalali far²

Abstract

The explanation of the supernatural phenomena in the Qur'an by the prophets and divine saints that happened as a miracle or honor is one of the controversial issues of the commentators; In this research, the miracles of Prophet Jesus (PBUH) were analyzed and analyzed from the point of view of two contemporary commentators, Javadi Amoli in Tasnim and Abdo and Rashid Reza in Al-Manar, focusing on verse 49 of Al-Imran. The results of the research showed that all the commentators are of the opinion that the miracles mentioned in the verse were issued by Jesus (pbuh), but Abdo denied these miracles with a rational approach. This is despite the fact that his reasoning in denying the miracles of Prophet Jesus (pbuh) is not complete, in addition to this, there is a contradiction in Rashid Reza's point of view in rejecting the miracles of Prophet Jesus (pbuh) and there are reasons in the statement of Ayatollah Javadi Amoli that contradicts the appearance of the verse or The verbal emergence of the verse and the fact that the past tense in the verse of Surah al-Ma'ida indicates the occurrence and the present tense verbs indicate continuity, have not been accepted.

Keywords: Miracles of Prophet Jesus (PBUH), verse 49 of Al-Imran, criticism of views, tasnim interpretation, al-Manar interpretation.

1. Associate Professor, Department of Quranic Studies, Research Institute and University, Qom, Iran

2. 4th level student of the field of comparative interpretation, Masoumeh Seminary, Qom, Iran (corresponding autho). galali.far@gmail.com



نقد دیدگاه المنار درباره معجزات حضرت عیسی (ع)

با تکیه بر آرای آیت‌الله جوادی آملی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2023.7.2.2.7>

سید محمود طیب حسینی^۱

نجمه جلالی فر^۲

چکیده

تبیین پدیده‌های فرا طبیعی در قرآن از سوی پیامبران و اولیای الهی که به‌عنوان معجزه یا کرامت به وقوع پیوسته، یکی از موضوعات اختلافی مفسران است؛ در این پژوهش معجزات حضرت عیسی (ع) از دیدگاه دو مفسر معاصر جوادی آملی در تسنیم و عبده و رشید رضا در المنار و با محوریت آیه ۴۹ آل عمران به روش تحلیل و توصیف مورد نقد و بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد همه مفسران بر این عقیده‌اند که معجزات یادشده در آیه از حضرت عیسی (ع) صادرشده‌اند اما عبده با رویکرد عقل‌گرا به انکار این معجزات پرداخت. این در حالی است که استدلال وی در انکار معجزات حضرت عیسی (ع) تمام نیست، علاوه بر این وجود تناقض در دیدگاه رشید رضا در رد معجزات حضرت عیسی (ع) و دلایلی در بیان آیت‌الله جوادی آملی مبنی بر خلاف ظاهر آیه یا خلاف ظهور لفظی آیه بودن و این که حکایت حال ماضی در آیه سوره مائده دلالت بر وقوع دارد و فعل‌های مضارع بر استمرار دلالت دارند، آمده‌اند، مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند.

واژگان کلیدی: معجزات حضرت عیسی (ع)، آیه ۴۹ آل عمران، نقد

دیدگاه‌ها، تفسیر تسنیم، تفسیر المنار.

بیان مسئله

پدیده‌های فرا طبیعی در قرآن که از سوی پیامبران و اولیای الهی به‌عنوان معجزه یا کرامت به وقوع پیوسته است یکی از موضوعات اختلافی تفسیر تسنیم و تفسیر المنار است. مؤلفان المنار به اصل وقوع پدیده‌های فرا طبیعی، به دلیل امکان عقلی اذعان کرده و دیدگاه منکران و تأویل‌گران را به نقد کشیده‌اند (رشید رضا، ۱۴۲۴: ۳۱۴/۱ - ۳۱۷) اما به‌رغم اذعان به وقوع پدیده‌های فرا طبیعی، برخلاف دیدگاه مشهور مفسران المنار، ظهور آیه ۴۹ آل عمران درباره معجزات حضرت عیسی (ع) را برتافته و به تأویل آن پرداخته است. این آیه می‌فرماید: ﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتِيَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ آیه از دو جهت مورد بحث و نظر واقع شده است: یک: دلالت جمله «وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ» بر گستره نبوت عیسی (ع) و اولوالعزم بودن ایشان؟ دو: آیا معجزاتی در آیه یادشده‌اند، از عیسی (ع) واقع گردیده‌اند؟ از آنجاکه محمد عبده و رشید رضا تنها از جهت دوم مورد نقد آیت الله جوادی آملی واقع شده است، لذا تنها به بررسی همین موضوع بسنده شده است. معجزه‌هایی که در این آیه بیان شده‌اند عبارتند از: ۱. آفریدن جسم پرنده که به اذن خداوند پرنده واقعی شد. ۲. اگمه (هرگونه نابینا) و ابرص یعنی مبتلا به مرض پیسی (سفیدی بی‌درمانی که در پوست ظاهر می‌شود) را شفا می‌داد. ۳. زنده کردن مردگان. ۴. به اذن الله از آنچه بنی‌اسرائیل در خانه‌هایشان ذخیره و برای استفاده در آینده آن را نگهداری می‌کردند، یا از غذایی که خورده‌اند، گزارش می‌داد.

بر پایه بررسی انجام‌گرفته، محمد عبده تنها مفسری است که معتقد است بر آیه مورد بحث دلالتی بر صدور معجزات یادشده از جانب عیسی (ع) ندارد؛ اما رشید رضا رأی ثابت و سامان‌یافته‌ای ندارد و از جهاتی با نظر استادش مخالفت کرده است، لذا در این مقاله رأی هر یک را جداگانه بررسی و دیدگاه المنار درباره معجزات حضرت عیسی (ع) با تکیه بر رأی آیت‌الله جوادی آملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین مقاله حاضر در چهار بخش تدوین یافته است: مفاهیم بحث، دیدگاه مفسران در مورد معجزه‌هایی حضرت عیسی (ع) در آیه ۴۹ سوره آل عمران، بیان دیدگاه‌های نویسندگان دو تفسیر (تفسیر تسنیم، تفسیر المنار)، نقد دیدگاه المنار با تکیه بر رأی آیت‌الله جوادی آملی.

پیشینه

در مورد پیشینه تحقیق مقاله‌ای که به مقایسه نظرات مؤلفان تفسیر المنار و تفسیر تسنیم درباره معجزات حضرت عیسی (ع) بپردازد یافت نشد اما در مورد کار تطبیقی

سال هفتم
شماره دوم
پیاپی: ۱۴
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

معجزات حضرت عیسی (ع) دو مقاله: گفتمان تطبیقی بر معجزات حضرت عیسی (ع) در قرآن کریم و اناجیل اربعه از نویسندگان؛ مصطفی سلیمانی اصل، رضا خیزی، عبدالله حسینی اسکندیان (۱۳۹۸) و بررسی تطبیقی معجزه‌های عیسی (ع) در قرآن و اناجیل از سمیه حسین پور (۱۳۹۵) وجود دارد که به صورت کلی به مقایسه پرداخته‌اند. در ادامه به بررسی چهار مرحله یادشده، پرداخته شده است:

۱. مفاهیم بحث

در این مرحله کلمه معجزه و از نظر معنای لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا کاربرد مورد نظر در مقاله مشخص شود.

واژه معجزه از ریشه «عجز» است و لغویان معانی و استعمالات متعددی برای آن شمرده‌اند؛ برخی ریشه این لغت را به معنای «تأخر از چیزی» می‌دانند و از این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می‌رود این معنا را یکی از دو معنای اصلی می‌دانند (راغب اصفهانی: ۵۴۷) و (ابن فارس: ۲۳۲/۴). گروهی از لغویان اصل این لغت را به معنای «ضعف» می‌دانند مفردات راغب این را به معنای ثانوی لغت عجز می‌داند ولی مقایسه آن را یکی از دو معنای اصلی می‌داند (راغب اصفهانی: ۵۴۷) و (ابن فارس: ۲۳۲/۴). لغت «عاجز» از همین معناست و به زنان کهن سال نیز «عجوز» گویند. برخی دیگر آن را به معنای «یافتن ضعف در دیگری» (بستانی: ۶۰) یا به معنای «ایجاد ضعف در دیگری» دانسته‌اند (خلیل بن احمد: ۲۱۵/۱)

به نظر می‌رسد که ریشه اصلی لغت «عجز» همان «ضعف» است که مقابل قدرت است؛ و این ضعف دارای مراتبی است؛ و به همین لحاظ است که به زنان کهن سال عجوز گویند چون ضعیف شده و طراوت و تحرک و زایش خود را از دست داده‌اند و به مؤخر و پشت انسان نیز «عجّز» گویند چون که پست و ضعیف است و اعجاز ایجاد عجز یا یافتن عجز در دیگران است. «اعجاز» به هر صورت که باشد ملازم با تأثیر و تسلط و تفوق و حکومت است (مصطفوی: ۱۳۶۸، ۳۸/۸).

در قرآن کریم لغت «معجزه» به معنای اصطلاحی (عمل خارق العاده که گواه نبوت باشد) یافت نشد اما در موارد متعددی این لغت به شکل‌های گوناگون به کار رفته است «عجوز» (هود/ ۷۲ و صافات/ ۱۳۵) «أعجزت» (مائده/ ۳۱) «معاجزین» (سبأ/ ۳۸) «معجزی الله» (توبه/ ۲) «معجزین» (انعام/ ۱۳۴ - فصلت/ ۳۱ - نور/ ۵۷ - عنکبوت/ ۲۲) «لیعجزه» (فاطر/ ۴۴) «أعجاز» (قمر/ ۲۰ - حاقه/ ۷). در تعریف اصطلاحی معنای معجزه، باید آن را عبارت از امر خارق العاده‌ای دانست که با اراده خدای متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر شود و نشانه صدق ادعای وی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۲۲۰). جالب این است که لغت «معجزه» در روایات اهل بیت (ع) به معنای اصطلاحی به کار

رفته است و لذا معلوم می‌شود که این لغت از زمان ائمه (ع) کاربرد داشته و به جای «آیه» به کار می‌رفته است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱۲۲/۱ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۱).

۲. دیدگاه مفسران در مورد معجزه‌هایی حضرت عیسی (ع) در آیه ۴۹ سوره آل عمران در این مرحله دیدگاه مجموع مفسران درباره معجزات عیسی (ع) در آیه ۴۹ سوره آل عمران بیان می‌شود. معجزاتی که در این آیه مبارکه بیان شده‌اند، عبارتند از:

۱. آفریدن جسم پرنده که به اذن خداوند پرنده واقعی شد. ۲. اگمه (هرگونه نابینا) و ابرص یعنی مبتلابه مرض پیسی یا جذام (سفیدی بی‌درمانی که در پوست ظاهر می‌شود) را شفا می‌داد. ۳. زنده کردن مردگان. ۴. به اذن الله از آنچه بنی اسرائیل در خانه‌هایشان ذخیره و برای استفاده در آینده آن را نگهداری می‌کردند، یا از غذایی که خورده‌اند، گزارش می‌داد. همه مفسران به این چهار معجزه عیسی (ع) که در آیه بیان شده اشاره کرده و نمونه‌هایی را برای آن‌ها بیان کرده‌اند که آن حضرت انجام دادند و فخر رازی با جدا کردن شفای نابینا و شفای جذام آن‌ها را پنج معجزه شمرده‌اند (فخر رازی، ۴۲۰: ۲۲۹/۸).

فخر رازی در مورد اولین معجزه‌ای که در آیه آمده نوشته است: روایت شده است که وقتی عیسی (ع) ادعای نبوت کرد و معجزاتی از خود نشان داد، آن‌ها شروع به تحقیر او کردند و از او خواستند که خفاشی بسازد، بنابراین او خشت را گرفت و به آن شکل داد، سپس در آن دمید و پرواز کرد. وهب گفت: او پرواز می‌کرد تا زمانی که مردم به او نگاه می‌کردند و وقتی او ناپدید شد. مردم اختلاف کردند و بعضی گفتند: او چیزی جز خفاش خلق نکرد و دیگران گفتند: او انواع مختلف پرندگان را آفرید (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۲۹/۸).

همچنین آلوسی می‌نویسد: ابن جریر از ابن اسحاق روایت کرد که عیسی (ع) روزی با دو پسر نشست، پس خاک رس گرفت، سپس گفت: آیا از این خاک رس برای شما پرنده‌ای درست می‌کنم؟ آن‌ها گفتند: آیا می‌توانی چنین کاری کنی؟ فرمود: آری، به اذن پروردگار من می‌توانم، سپس آن را آماده کرد و به صورت پرنده ساخت، در آن دمید، سپس فرمود: به اذن خدا پرنده باش، پس بیرون آمد. از بین دستان او پرواز کرد، پسران آن را نزد معلم خود ذکر کردند و آن را در میان مردم پخش کردند.

در مورد شفای نابینایان و جذامیان اکثر مفسران از جمله؛ زمخشری (۱۴۰۷، ۳۶۴/۱)، طبرسی (۱۳۷۲، ۷۵۳/۲)، فخر رازی (۱۴۲۰، ۲۲۹/۸)، بیضاوی (۱۴۱۸، ۱۸/۲)، اندلسی ابوحیان (۱۴۲۰، ۱۶۴/۳) و آلوسی (۱۴۱۵، ۱۶۳/۲) این روایت را بیان کرده‌اند: گاهی در یک روز پنجاه‌هزار مریض نزد عیسی (ع) جمع می‌شدند هر کس که می‌توانست خود را به عیسی (ع) می‌رسانید و یا عیسی (ع) به نزد او می‌رفت و آن‌ها را با دعا به شرط

ایمان آوردن شفا می‌داد.

اینکه از بین بیماری‌های مختلف نابینا و جذام را جدا می‌کند زیرا آن‌ها دو مشکلی هستند که هیچ‌کس به‌جز خداوند متعال نمی‌تواند آن‌ها را درمان کند (اندلسی ابو حیان، ۱۴۲۰: ۱۶۴/۳). کاهنان از بنی اسرائیل نگران احکام جذام بودند و او به آن‌ها می‌آموخت که چگونه با او رفتار کنند و یکی از احکام آن‌ها این بود که بیمار از مردم منزوی شده و در مکان خاصی قرار گرفته و مفاد آن در سفر اللاویین به تفصیل آورده شده است. به همین دلیل معجزه مسیح در درمان جذام مهم‌ترین معجزه هم از نظر دین و هم از نظر جهانی برای آن‌ها بود (ابن عاشور، بی تا ۱۰/۳).

در مورد زنده کردن مردگان در انجیل ذکر شده است که او دختری را که مرده بود زنده کرد (ابن عاشور، بی تا ۱۰/۳). اندلسی ابوحیان (اندلسی ابو حیان، ۱۴۲۰: ۱۶۴/۳) و آلوسی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۳/۲) و طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۵۳/۲) گفته‌اند که عیسی (ع) ۴ نفر را زنده کرد:

اول- عازر که دوست وی بود و سه روز پس از مرگش به سر قبر او رفت و گفت (بار خدایا پروردگار آسمان‌ها و زمین تو مرا به‌سوی بنی اسرائیل فرستادی که آن‌ها را بدین تو دعوت کنم و به ایشان خبر دهم که مردگان را زنده خواهیم کرد؛ اینک عازر را زنده گردان). پس عازر زنده شد و برخاست و بعداً هم صاحب فرزندی گردید.

دوم- ابن عجوز بود. عیسی جنازه او را بر دوش مردم دید که با تابوت می‌برند. پس دعا کرد تا او زنده گشت و از دوش مردم به زیر آمد و لباس پوشید و به خانه برگشت و بعداً صاحب فرزند شد.

سوم- دختری ده‌ساله را که یک روز پس از مردن زنده ساخت تا به خانه خود برگشت و شوهر کرد و بچه آورد.

چهارم- سام بن نوح که اسم اعظم خدا را خواند و دعا کرد و زنده شد سپس عیسی به او گفت باید بمیری وی شرط کرد که خدا مرا از سکرات موت و رنج جان کندن در امان نگه دارد عیسی در این باره دعا کرد و دعایش مستجاب شد. کلبی گوید عیسی مردگان را به برکت و کمک یا حی یا قیوم زنده می‌نمود

آخرین معجزه‌ای در آیه بیان شده؛ عیسی (ع) به مردم می‌گفت امروز فلان غذا را خورده‌اید و فلان مقدار و فلان چیز ذخیره کرده‌اید و عین واقع بود. ابن عساکر از عبدالله بن عمرو بن العاص روایت کرده است که وی گفت: عیسی (ع) پسری بود که با دیگر پسران بازی می‌کرد و به یکی از آن‌ها گفت: آیا می‌خواهی آنچه مادرت برای تو پنهان کرده بگویم؟ او می‌گوید: بله عیسی (ع) می‌گوید: چنین و چنان پنهان کرده‌اند، پسر نزد مادرش می‌رود و او به او می‌گوید: از آنچه را برای من پنهان کردی به من

غذا بده و او می گوید: و من چه دارم برای شما پنهان است؟ می گوید: این و آن، مادر می گوید: چه کسی به تو گفته است؟! او می گوید: عیسی پسر مریم این را به من خبر داده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۳/۲).

ابتدا به خلقت که اعظم معجزات است اشاره کرد سپس با شفای نابینا و جذامی و سوم با زنده کردن مردگان و در هر سه اذن الله را تکرار کرد تا دفع کند توهم کسانی را که خدایی را در او تصور می کردند بعد از اطلاع از غیب اذن الله را ذکر نکرد زیرا زنده کردن مردگان از اطلاع از غیب اعظم است از طرفی عطف بر قبل است و احتیاجی به ذکر نبود (اندلسی ابو حیان، ۱۴۲۰: ۱۶۴/۳).

بنابراین معلوم می شود دیدگاه مفسران در مورد معجزات یادشده در آیه ۴۹ سوره آل عمران وقوع این معجزات از طرف حضرت عیسی (ع) است.

۳. بیان دیدگاه های نویسندگان دو تفسیر (تفسیر تسنیم، تفسیر المنار)

در این مرحله دیدگاه نویسندگان هر دو تفسیر به صورت جداگانه درباره معجزات حضرت عیسی (ع) با محوریت آیه ۴۹ آل عمران بیان می شود؛ به این صورت که ابتدا دیدگاه نویسنده تفسیر تسنیم (آیت الله جوادی) سپس دیدگاه نویسندگان تفسیر المنار، بیان شده است.

دیدگاه نویسنده تفسیر تسنیم (آیت الله جوادی)

رسالت باید با اعجاز همراه باشد، از این رو معجزات در اثبات رسالت مؤثر است و آنگاه پیام رسالت به پشتوانه آن بیان می شود. لفظ «آیه» در آیه مورد بحث، مفردی است که بر جنس دلالت می کند نه بر وحدت، زیرا «تاء» در آن برای بیان جنس است، بنابراین (بَایة) در (حِئْتُكُمْ بِئایة) چون جنس است همه معجزات ذکر شده در آیه را شامل است (همان: ۱۳۸۸: ۳۱۶/۱۴). آیه و معجزه، کار خارق عادت است که از بشر عادی ساخته نیست. معجزات حضرت مسیح حجّت روشن، مشهور و محسوس برای همگان و انکارناپذیر بود و مراد آن حضرت از «به همراه داشتن آیت خدا» این است که از نزد خدا آمده ام. هر يك از آن معجزات، آیتی است از خدا نه از خود مسیح. حضرت مسیح هم مظهر خالق است (همان، ۱۳۸۸: ج ۱۴، ۳۲۴).

در واقع معجزات حضرت مسیح شامل: ۱. به اذن پروردگار پرنده آفرید و آن را پرواز داد. آفریده حضرت از لحاظ جسم پرنده ای واقعی با همه اعضا و جوارح بود. آفرینش پرنده به دست عیسی، به اذن خدا و غیر مستقل است و طبق امثال دستور الهی عبادت ویژه آن حضرت است. او مآذون به دمیدن حیات (نفخ مادی با آمیزه ای از نفخ روحانی) بود؛ ولی زنده شدن پرنده به امر «کن» بود. به هر روی کار حضرت در آفرینش حیوان،

خارق عادت بود؛ یعنی آن آفریده، حیوانی بود بدون تخم‌گذاری و بی جنین پروری.
 ۲. مسیح (ع) اکمه (هرگونه نابینا) و ابرص یعنی مبتلابه مرض پیسی (سفیدی بی‌درمانی که در پوست ظاهر می‌شود) را شفا می‌داد و برای اتمام حجّت ابتدائاً یا هرگاه از او به‌عنوان معجزه می‌خواستند، مرده زنده می‌کرد. او مردگان بسیاری را زنده کرد، بنابراین هم حیات ابتدایی و هم حیات اعاده‌ای می‌بخشید.

۳. عیسی مسیح (ع) به اذن الله از آنچه بنی‌اسرائیل در خانه‌هایشان ذخیره و برای استفاده در آینده آن را نگهداری می‌کردند، یا از غذایی که خورده‌اند، گزارش می‌داد و تنها از راه مظهریت و به اذن خدا می‌توان عالم به غیب و گزارشگر اخبار غیبی بود. ذکر شفای اکمه و ابرص: (وَأَبْرِءِ الْأَكْمَةِ وَالْأَبْرَصِ)، برای آن است که این سنخ معجزات (شفای کوری و پیسی) روشن و محسوس است و بدان معنا نیست که معجزه آن حضرت در شفای بیماران به همین دو مورد محدود می‌شده و امراض دیگر را شفا نمی‌داده است، هرچند دلیل قرآنی بر آن نیست. غرض آنکه از آیه مزبور انحصار اعجاز درمانی حضرت مسیح (ع) در دو مورد یادشده و نفی ماسوای آن استفاده نمی‌شود (همان، ۱۳۸۸: ج ۱۴، ص ۳۲۴).

هر یک از معجزات مزبور بارها تحقق یافته است؛ نه اینکه فقط آن حضرت توان انجام دادن آن‌ها را داشته است؛ همچنین همه آن‌ها به «اذن الله» بود نه خصوص احیا، تکرار (پاذن الله) برای جلوگیری از توهم تثلیث و فرزند خدا بودن و نیز برای نشانه دانستن آن معجزات برای رسالت اوست.

خداوند سبحان در پایان خطاب به بنی‌اسرائیل که به لحاظ پذیرش انبیای ابراهیم‌علیهم السلام به‌ویژه موسای کلیم (ع) با همه معجزاتش اصل مبدأ، وحی و رسالت را پذیرفته‌اند، به شیوه جدال احسن می‌فرماید: اگر به خدا، اذن خدا و اصل ولایت تکوینی اعتقاد دارید، این امور نیز معجزه است (همان، ۱۳۸۸: ج ۱۴، ص ۳۲۴).

دیدگاه نویسندگان تفسیر المنار

از آنجا که نظر محمد عبده فقدان دلیل بر تحقق معجزات عیسی (ع) است، رشید رضا پس از طرح روایات دلالت‌کننده بر معجزات عیسی (ع) در توضیح نظر عبده می‌نویسد: «نویسنده تفسیر جلالین مانند دیگر مفسران بر این نظر است که عیسی (ع) پیکر خفاشی از گل ساخت و سپس در آن دمید و در نتیجه پیکر خفاش زنده و در دستان عیسی (ع) بال‌وپر زد؛ البته برخی مفسران گفته‌اند پرنده مقدار کمی پرواز کرد سپس بر زمین افتاد؛ اما استاد امام [محمد عبده] در این باره می‌گوید: ما نیازی به این تفصیلات نداریم و باید به معنای لفظی آیه اکتفا کنیم؛ و آنچه از آیه فهمیده می‌شود این است که خداوند متعال این سر (و نیروی خارق‌العاده) را به عیسی (ع) عطا کرد، اما آیه

نمی‌گوید که او چنین عمل خارق‌العاده را انجام داده است و همچنین روایت معتبری از معصوم [پیامبر (ص)] که گویای تحقق این حادثه باشد، به ما نرسیده است؛ افزون‌تر اینکه سنت الهی بر این است که معجزات پیامبران تنها در صورت درخواست امت‌ها، تحقق یابد و ایمان امت‌ها مترتب بر صدور معجزات باشد؛ در نتیجه اگر از عیسی (ع) درخواست چنین معجزه‌ای می‌شد حتماً آن را انجام می‌داد؛ آنچه درباره احیای خفاش گفته آمد درباره معجزات یادشده در آیه ﴿وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِ الْمَوْتِي بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ نیز صدق می‌کند؛ زیرا مدلول این عبارت آن است که انجام این امور به عیسی (ع) اختصاص داشته و به فرمان او داده شده بود که توانایی‌اش بر انجام این امور بر حقانیتش احتجاج نماید.» (رشید رضا، ۱۴۲۴: ۳/۳۱۱).

خلاصه سخن محمد عبده این است که دلیل محکمی از کتاب و سنت نداریم که دلالت کند معجزاتی مانند زنده کردن پرندگان، شفا دادن بیماران و احیای مردگان از عیسی (ع) واقع شده است. آیات قرآن تنها گویای این مطلب‌اند که نیرو و توانایی لازم برای انجام این امور به عیسی (ع) عطا شده است، اما دلالتی بر وقوع خارجی آن‌ها ندارد. البته اگر قومش از او درخواست معجزه می‌کردند عیسی (ع) اجابت کرده و معجزاتی انجام می‌داد، ولی دلیلی بر چنین درخواستی نداریم. اما رشید رضا خودش نظر ثابتی ندارد، لذا نظراتش را در سه سوره ذیل آیات در این باره بیان و سپس تحلیل و بررسی می‌کنیم:

الف. سخن رشید رضا در سوره آل عمران

وی پس از توضیح سخن استاد خود می‌گوید: «خلاصه سخن اینکه روایت صحیحی که گویای آفرینش پرنده از جانب عیسی (ع) باشد، به ما نرسیده و همچنین در انجیل‌های معتبر سخنی از وقوع این حادثه به میان نیامده است؛ درحالی‌که مسیحیان وقوع دیگر معجزات یادشده در آیه را نقل کرده‌اند و به نقل ابن اسحاق، حادثه موردنظر تنها در انجیل صبا یا (طفولیت) ذکر شده است، ولی این انجیل، در نزد نصاری‌بی اعتبار است» (همان، ۱۴۲۴: ۳/۳۱۱).

درواقع وی به منظور تأیید نظر استاد خود به عدم ذکر معجزات عیسی (ع) در انجیل‌های معروف استشهاد کرده است، اما در تفسیر سوره مائده اذعان دارد که عدم ذکر معجزات عیسی (ع) در انجیل‌های معروف در اثر کتمان یهود است:

«بعید نیست که یهودیان، معجزه مورد بحث (خلق پرنده) را کتمان کرده باشند، یا به دلیل اینکه این عمل از جانب عیسی (ع) تکرار نشده، گمان کرده‌اند که بار اول نیز واقعیت نداشته و سحر بوده است، یا به دلیل عناد و لجاجت و ترس از ایمان آوردن بنی‌اسرائیل به عیسی (ع)، تحقق معجزه یاد شده را کتمان کردند» (همان، ۱۴۲۴: ۷/۲۴۵).

ب. سخن رشید رضا در تفسیر سوره مائده

رشید رضا درباره آیه سوره مائده دو دیدگاه نسبتاً متفاوت دارد. وی در تفسیر سوره آل عمران به آیه سوره مائده اشاره کرده و دلالت آن بر صدور معجزات را می‌پذیرد: «ای بسا آیه سوره مائده نسبت به آیه مورد بحث، دلالت بیشتری بر وقوع معجزات داشته باشد... زیرا اینکه آیه، معجزات یادشده را از مصداق‌های نعمت الهی بر عیسی (ع) شمرده است، به نوعی گویای وقوع این معجزات است، مگر اینکه ادعا شود صرف توانایی بر انجام این معجزات در صورت درخواست مردم و تحدی مخالفان به همانند آوری از بزرگ‌ترین و روشن‌ترین نعمت‌های الهی است؛ ولی ادعای یادشده برخلاف ظهور آیه است». (همان، ۱۴۲۴: ۳/۳۱۲).

اما در تفسیر مائده می‌گوید:

در تفسیر آیه‌ای از سوره آل عمران سخنی از شیخ و استادمان را در این باره یادآور شدیم که مختصر آن این است که خداوند تنها توانایی انجام این معجزات را به عیسی (ع) عطا کرد؛ اما عیسی (ع) آن‌ها را انجام نداد؛ و ما (رشید رضا در ردّ سخن استاد) به صورت غیر قطعی یادآور شدیم که اگر دلالت این آیه بر وقوع معجزات یادشده روشن نباشد، دلالت آیه سوره مائده قابل قبول است (همان، ۱۴۲۴: ۷/۲۴۵).

رشید رضا در عبارت نخست می‌گوید این سخن که آیه صرفاً بر وجود نیرویی در عیسی (ع) برای انجام معجزات دلالت می‌کند و دلالتی بر وقوع خارجی آن‌ها را ندارد، برخلاف ظاهر آیه است اما در عبارت اخیرش می‌گوید نمی‌توانیم بر دلالت آیه بر صدور معجزات یادشده از جانب عیسی (ع) جازم باشیم!

ج. سخن رشید رضا در تفسیر سوره یونس

سخن رشید رضا در سوره یونس با سخنان پیش گفته‌اش کاملاً متفاوت است. وی بحثی با عنوان «الفصل فی الآیات الکوئیة» طرح کرده و صراحتاً اذعان می‌کند که قرآن معجزه‌ای مانند آفرینش پرندگان و زنده کردن مردگان و اخبار از غیب را برای حضرت عیسی (ع) تأیید کرده است:

و بزرگ‌ترین معجزه عیسی (ع) که قرآن از آن یاد کرده اما مؤلفین انجیل‌های چهارگانه ذکری از آن به میان نیاورده‌اند (البته روایت‌شده که معجزه یادشده در انجیل طفولیت مذکور بوده است، اما اصحاب کلیسا انجیل یادشده را باطل شمرده و لذا پیش از بعثت پیامبر (ص) مفقود گردید) زنده کردن تندیس پرنده‌ای از گل است؛ به این نحو که مقداری از گل را به شکل پرنده‌ای درآورده و در آن می‌دمید و در اثر آن، مجسمه به اذن و مشیت خداوند، به پرنده‌ای زنده تبدیل می‌شد؛ البته روایت‌شده که پرنده یادشده زمان کمی پرواز کرده و سپس می‌مرد؛ افزون بر معجزه یادشده، زنده کردن مرده‌ای

که جسمش سالم مانده و زمان کمی از مرگش گذشته بود، نیز از دیگر معجزات عیسی (ع) است؛ ... و علاوه بر اینها، شفا دادن برخی بیماران نیز از معجزات عیسی (ع) است (که در قرآن یادشده است) ... و افزون بر اینها برخی از مکاشفات عیسی (ع) است که خداوند از آنها این گونه یاد کرده است ﴿وَأَنْبَأَكُمْ بِمَا تَكُلُونَ وَمَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ﴾ (آل عمران، ۴۹) البته غیر از عیسی (ع)، چه از بنی اسرائیل و چه از غیر بنی اسرائیل، پیامبرانی بوده‌اند از حوادث مهم‌تری که در آینده واقع می‌شده است، گزارش داده‌اند (همان، ۱۴۲۴: ۳۳۴/۱۱).

در توجیه تناقض سخن یادشده با آرای پیش گفته رشید رضا، یا باید بگوییم که برای ایشان تبدل رأی حاصل شده است یا اینکه ارادت و تعبد ایشان به استادش عبده سبب شده تا در تفسیر آیه مورد بحث رأی نهایی‌اش را اظهار نکند.

۴. نقد دیدگاه المنار با تکیه بر آرای آیت‌الله جوادی آملی

در این گام وقوع و تحقق معجزات بیان شده از عیسی (ع) در آیه ۴۹ سوره آل عمران و نقد جوادی آملی (زیده عزه) بر سخنان مفسران المنار بیان شده است. صاحب المنار ذیل آیه مورد بحث می‌گوید: آیا حضرت مسیح (ع) این کارها را انجام داده است؛ یا تنها سخن در توانایی او در انجام این گونه کارهاست؟ سپس می‌گوید: ظاهر آیه از وقوع این معجزات حکایت نمی‌کند، بلکه حاکی از قدرت حضرت مسیح (ع) و امکان تحقق این امور است و روایتی نیز مبنی بر عملی شدن این امور نداریم، پس آنچه نقل شده است، شایسته اعتماد نیست (رشید رضا، ۱۴۲۴: ۳۱۱/۳).

شاگرد ایشان جناب رشید رضا ضمن تقریر این مطلب می‌گوید: از آیه مورد بحث نمی‌توان برداشت کرد که حضرت مسیح (ع) چنین کارهایی را انجام داده است؛ اما از آیه سوره «مائده» شاید بتوان چنین استفاده‌ای کرد. (همان، ۱۴۲۴: ۳۱۲/۳).

رشید رضا سپس می‌گوید: مگر آنکه آیه سوره «مائده» را توجیه کنیم و بگوییم خداوند در قیامت به عیسی مسیح (ع) می‌فرماید: به یادآور قدرتی را که ما به تو دادیم؛ اگر می‌خواستی می‌توانستی آن کارها را انجام دهی، بنابراین توجیه، آیات سوره مبارکه «مائده» نیز بر وقوع این معجزات دلالت ندارند (همان، ۱۴۲۴: ۳۱۱/۳ - ۳۱۲).

رشید رضا درباره وقوع یا عدم وقوع معجزات از سوی عیسی (ع) آرای متناقضی ارائه کرده است. از یکسو سخن استادش عبده را تأیید می‌کند؛ از سوی دیگر آن را خلاف ظاهر آیه ۱۱۰ سوره مائده می‌شمارد و در نهایت، در سوره یونس اذعان می‌کند که معجزات یادشده از عیسی (ع) صادر شده است!

جوادی آملی (زیده عزه) دلایلی برای اثبات نظر مشهور بیان کرده‌اند؛ اول اینکه: خلاف ظاهر آیه یا ظهور لفظی آیه است و او خود نیز به خلاف ظاهر بودن این توجیه آگاهی

دارد؛ ولی بنای این گونه افراد بر عدم پذیرش معجزات معهود است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۳۴/۱۴). توضیح مطلب اینکه جمله ﴿أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ...﴾ تنها برای اتمام حجت و بیان این مطلب نیست که من توانایی انجام امور یادشده را دارم، بلکه گویای صدور آن‌ها از عیسی (ع) است زیرا اگر تنها برای اتمام حجت و بیان توانمندی عیسی (ع) بود، بهتر آن بود که عیسی (ع) کلام خود را با قیدی مناسب القا کند مانند اینکه بگوید «اگر از من درخواست کنید، مرده‌ای را زنده می‌کنم».

دلیل دیگر: جوادی آملی (زیده عزه) آیه شریفه سورة مائده است ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ خَلَقْنَا مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ مَخْرَجَ الْمُوتِي بِيَأْذِنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ﴾

خلاصه استدلال ایشان این است که اگر بتوان در دلالت آیه مورد بحث خدشه وارد کرد، دلالت آیه سوره مائده بر مدعی تمام است؛ زیرا آیه شریفه گفتگوی خداوند سبحان با عیسی (ع) در روز قیامت را بازگو و نعمت‌های بی‌شمار خود بر عیسی را یادآور می‌شود و در ضمن آن، از معجزاتی که عیسی (ع) در دنیا انجام داده سخن به میان می‌آورد، بنابراین، شاید گفته شود آیات معجزه حضرت مسیح (ع) در سوره «أل عمران» که ناظر به دنیا است، در وقوع این معجزات صراحت ندارد و آیات سورة مبارکه «مائده» هم که به وقوع معجزات تصریح می‌کند، مربوط به قیامت است، بنابراین ممکن است حضرت مسیح (ع) این کارها را در زمان خود نکرده باشد، بلکه هنگام «رجعت» در زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج) با این معجزات بیاید.

در پاسخ باید گفت قرآن کریم حضرت مسیح (ع) را هنگامی که به رسالت مأموریت یافت، با این اوصاف معرفی فرمود و خدای سبحان نیز در قیامت، درحالی که او را رسول بنی اسرائیل می‌نامد، به این ویژگی‌ها می‌ستاید؛ اما در «رجعت» وقتی حضرت عیسی (ع) ظهور می‌کند، جزو امت حضرت ولی عصر (عج) خواهد بود؛ نه رسول خدا به سوی بنی اسرائیل؛ یعنی رجعت ایشان برای ایفای رسالت و به‌عنوان پیامبری اولوا العزم نیست، بلکه از معاونان حضرت حجت (ع) به شمار می‌آیند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۳۳/۱۴).

همچنین ایشان در نقد مبنای تفسیر المنار و بیان وهن آنچه بر آن مبنا بنا نهاده شد، بیان می‌کند تفسیر به رأی و تحمیل تفکر وهابیت بر ظاهر آیات قرآن کریم است. صاحب المنار با همین توجیه که مراد آیه قدرت انجام دادن این معجزات است نه

تحقق آن‌ها، بسیاری از معجزات را که در سوره مبارکه «بقره» از آن‌ها سخن رفته، انکار کرده است و این چیزی جز تحمیل تفکر وهابیت بر ظاهر آیات قرآن کریم نیست و نامی جز تفسیر به رأی بر آن نمی‌توان نهاد، زیرا آیه‌ای را که دلالت کمتری دارد، محور قرار می‌دهد و ذیل آیه‌ای که دلالت روشن‌تری دارد، به گذشته ارجاع می‌دهد (همان، ۱۳۸۸: ۳۳۴/۱۴).

استدلال جوادی آملی (زبده عزه) استوار و پذیرفتنی است و قراین متعددی در آیه سخن ایشان را تأیید می‌کند از جمله؛ جمله «إِذْ خُلِقُوا... إِذْ خُرِجُوا...» در آیه ۱۱۰ سوره مائده حکایت حال ماضی دلالت بر وقوع دارد و اینکه یادکرد از آن به فعل ماضی «جِئْتَهُمْ»، بدین جهت است که هرچه تحقق آن یقینی و قطعی است، منسلخ از زمان است؛ آنگاه تعبیر به هر سه زمان (ماضی، حال و آینده) درباره‌اش ممکن است؛ لیکن چون ماضی در دلالت بر تحقق قوی‌تر است، در این موارد از فعل ماضی استفاده می‌شود (جوادی آملی: ۱۳۸۸، ۲۱۳/۲۴) و فعل‌های مضارع (مَخْلُوقٌ، تَنْفُخٌ و...) که بر استمرار دلالت دارند نشان می‌دهند که هر یک از معجزات مزبور بارها تحقق یافته است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۳۴/۱۴) و همچنین جمله «إِذْ جِئْتَهُمُ بِالْبَيِّنَاتِ»، گویای این است که عیسی (ع) بیناتی (معجزاتی) برای قومش آورده است (تاج‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۱۱).

بنابراین، دلایل جوادی آملی (زبده عزه) در اثبات مدعای مشهور و رد و نقد سخن عبده استوار و روشن است و مؤید آن فهم مفسران در طول تاریخ است. مفسرانی چون شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا: ۴۶۹/۲)، طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۵۳/۲)، زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۴/۱)، فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۲۹/۸)، بیضاوی (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۸/۲)، ابن حیان (اندلسی ابن حیان، ۱۴۲۰: ۱۶۴/۳)، آلوسی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۳/۲)، ابن عاشور (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۰۱/۳) و ... است که اعتقاد بر وقوع این معجزات از حضرت عیسی (ع) دارند. همان‌طور که در آغاز بحث گفته شد میان مفسران شیعه و سنی تنها عبده رأی مخالف دارد.

نتیجه

با کنکاشی که در تفاسیر انجام گرفت هیچ‌یک از مفسران قرآن معجزات حضرت عیسی (ع) را انکار نکرده است و برای اول‌بار عبده با رویکرد عقل‌گرا و علم‌گرای خود به انکار معجزات حضرت عیسی (ع) پرداخته است. پس از وی، شاگردش رشید رضا نیز از او تبعیت کرد، اما استدلال وی در انکار معجزات حضرت عیسی (ع) تمام نیست، علاوه بر اینکه رشید رضا در رد معجزات حضرت عیسی (ع) دچار تناقض‌گویی شده است؛ ادعاهای وی از سوی حضرت آیت‌الله جوادی آملی به دلایل زیر نقد شده است؛ اول: خلاف ظاهر آیه یا ظهور لفظی آیه است چرا که اگر آیه در مقام اتمام‌حجت و بیان

سال هفتم
شماره دوم
پیاپی: ۱۴
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

توانمندی عیسی (ع) بود، بهتر آن بود که عیسی (ع) کلام خود را با قیدی مناسب القا کند. مانند اینکه بگوید اگر از من درخواست کنید، مرده‌ای را زنده می‌کنم. دوم: اگر بتوان در دلالت آیه مورد بحث خدشه وارد کرد، دلالت آیه سوره مائده بر مدعی تمام است فعل‌های مضارع (تَخْلُقُ، تَنْفُخُ و...) در این آیه که بر استمرار دلالت دارند نشان می‌دهند که هر يك از معجزات مزبور بارها تحقق یافته است همچنین جمله «إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ» به فعل ماضی دلالت بر تحقق یقینی و قطعی دارد گویای این است که عیسی (ع) بیناتی (معجزاتی) برای قومش آورده است.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵): «علل الشرایع»، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا): «التحریر والتنویر»، بیروت: مؤسسه التاریخ، چاپ اول.
۳. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴): «معجم مقاییس الغه»، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۴. ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق): «البحر المحیط فی تفسیر»، صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۵. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۶. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵): «فرهنگ ابجدی»، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق): «أنوارالتنزیل و أسرار تأویل»، محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۸. تاج آبادی، مسعود (۱۳۹۲): «المنار در آینه المیزان»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸): «تسنیم»، قم: مؤسسه اسراء.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق): «مفردات الفاظ القرآن» صفوان عدنان، بیروت: دار القلم، چاپ اول.
۱۱. ... رشید رضا، محمد (۱۴۲۴ ق): «المنار»، بی جا: دارالفکر.
۱۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق): «الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم.
۱۴. ... طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵): «مجمع البحرین»، حسینی شکوری، محمد، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
۱۵. ... طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، احمد قیصر عاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۶. عسکری، انسیه (۱۳۹۷): «جریان شناسی تفسیر تطبیقی»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق): «مفاتیح الغیب»، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق): «کتاب العین»، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۱۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق): «بحارالانوار (ط- بیروت)»، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱): «آموزش عقاید»، تهران: چاپ و نشر بین الملل مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم.

References

1. Ibn Baba wayh, Muhammad bin Ali (1385): "Ellal al-Sharia", Qom: Davari Bookstore, first edition.
2. Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir (No date: "al-Tahrir wa al-Tanweer", Beirut: Al-Tarikh Institute, first edition.
3. Ibn Faris, Ahmed Ibn Faris (1404): "Mojam Magayis al-Logah", Qom: School of al-Aa'lam al-Islami, first edition.
4. Abu Hayyan, Muhammad bin Yusuf (1420 AH): "Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir", Sedqi Muhammad Jamil, Beirut: Dar al-Fikr, first edition.
5. Alousi, Sayyed Mahmud (1415 AH): "Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem", Ali Abd al-Bari Attiyah, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, first edition.
6. Boštani, Fouad Afram (1375): "Abjadi Culture", Tehran: Islamic Publications, second edition.
7. Beyzawi, Abdullah bin Omar (1418 AH): "Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Taa'weel", Muhammad Abd al-Rahman al-Marashli, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, first edition.
8. Taj Aabadi, Massoud (2012): "Al-Manar in the Mirror of Al-Mizan", Qom: Hozva and University Research Institute, first edition.
9. Javadi Amoli, Abdullah (2008): "Tasnim", Qom: Isra Institute.
10. Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1412 AH): "Voices of the Qur'an" by Safwan Adnan, Beirut: Dar al-Qalam, first edition.
11. Rashid Reza, Muhammad (1424 AH): "al-Manar", (No Place): Dar al-Fikr.
12. Zamakhshari, Mahmoud (1407 A.H.): "al-Kashaf an Haqaeiq Ghwamaz al-Tanzil", Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi, third edition.
13. Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372): "Majmaa' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasser Khosro Publications, third edition.
14. Toraihi, Fakhreddin bin Mohammad (1375): "Majmaa' al-Bahrain", Hosseini Shakuri, Mohammad, Tehran: Mortazavi, third edition.
15. Tousi, Muhammad bin Hassan (No date): "al-Tabian fi Tafsir al-Qur'an", Ahmad Qaiser Ameli, Beirut: Dar Ihya Al-Trath al-Arabi, first edition.
16. Askari, Ensieh (2017): "Flowology of comparative interpretation", Qom: Hozva and University Research Institute, first edition.
17. Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1420 AH): "Mafatih al-Ghayb", Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, third edition.
18. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1409 AH): "Kitab al-Ain", Qom: Hijrat Publishing House, second edition.
19. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1403 A.H.): "Bihar al-Anwar", Beirut: Dar-e-Hiya al-Trath al-Arabi, second edition.
20. Moštafari, Hassan (1368): "Research in the words of the Holy Qur'an", Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, first edition.
21. Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2011): "Education of Beliefs", Tehran: Amir Kabir Publishing House, Seventh Edition